

## سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم

احمد آکوچکیان<sup>۱</sup>: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)  
رضوانه دستجانی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۳-۱۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۲/۱۳

### چکیده

پرسش از روش‌شناسی رویکرد پژوهش میان‌رشته‌ای، پرسشی معطوف به مسئله پیشرفت است که در منظری سیستم‌نگر و سازوکار، سطوح مبانی پارادایمی، نظریه‌ای، مدل‌واره مفهومی، عملیاتی و سطح گفتمانی را دربردارد و در متن منظومه جامع ادراکات معطوف به رشد-توسعه، در سند مرجع الگوی راهبری تحول در دو ضلع راهبردی نقشه جامع علم و علمی، با میانداری اصل ولایت تفقه در دین قابل جریان است. در میان آمدن انتظار رشد-توسعه از دین و به تعبیری بر آمدن مسأله پیشرفت همه‌جانبه، اقتضای روش‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای و چند رشته‌ای مبتنی بر فرارشته‌ای پیشرفت‌شناخت را دارد که به ناگزیر، سه سطح مسأله‌شناسی، دین‌شناسی و آینده‌نگاری راهبردی را نیازمند است تا با این رهگذر بتوان از روش‌شناسی تفقه در دین و ولایت‌مندی آن در عرصه مدیریت فرهنگ و تحول سخن گفت. گذار از رویکرد جزءنگر حوزه‌های دانشی و رشته‌ای به رویکرد بین‌رشته‌ای به ویژه در مطالعات قرآنی، واسطی یا مفصل پارادایمی خویش را نیافته است؛ این مفصل پارادایمی اندیشه و دانش پیشرفت است. از جمله علت‌های ناتوانی ورود این دانش ورزی به عرصه کارآمدی، عدم اهتمام به این حوزه واسطی و مفصلی است. مقاله پیش‌رو مستند به رویکرد مرجع قرآنی (اصل هدایت به رشد)، به مدد روش‌شناسی پیشرفت‌نگر، بازخورد استنتاجی تا استنباطی و تحقیق و توسعه‌ای و روش‌شناسی‌های پشتیبانی چون روش‌شناسی سیستمی در ضمن ماتریس و الگوریتمی فرایندی، بر آن است تا با پی‌افکنی اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت (بنیان معرفت‌شناخت مکتب تفسیری بایسته قرآنی) منظری از روش‌شناسی پژوهش آینده‌نگار راهبردی پیشرفت قرآنی را به همراه به‌سامان‌آوری سه نظام ترتیبی، تنزیلی و موضوعی آینده‌نگار تفسیر به دست دهد؛ بر این مدار، ظرفیت این مکتب تفسیری در سامان‌بخشی سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی پیش‌رو می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر قرآن کریم، مطالعات میان‌رشته‌ای، پیشرفت، روش‌شناسی، سازوکار، تفقه در دین.

## ۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به خاستگاه معرفت‌شناخت خویش نزدیک می‌شود و در کانون این بازخوانی، اندیشه دین‌شناخت پیشرفت در وجه قرآن‌شناخت آن، در نقطه کانونی این خاستگاه است و به طور مشخص این فرخوانی را دارد که اندیشه دین‌شناخت مضمون معرفت‌شناخت اندیشه و دانش تفسیری است. روش‌شناسی این نظام اندیشه‌ای و دانشی چیست؟ دوره خودآگاهی به «فراروش و ایده‌فرارشته‌ای در پژوهش تفسیری» آغاز شده است و رویکرد به نظریه و روش در این عرصه در آستانه پیوستگی و امتداد منطقی ویژه‌ای است؛ لیکن همچنان: عرصه قرآن‌پژوهی و بیشتر صنف قرآن‌پژوهان به «کارکرد این اصل پارادایمی» ناخودآگاه هستند؛ و صنف آگاهان به ضرورت روش‌شناسی به «رویکرد مسئله محور» ناظر به اصل تناسب پایبندی با شأن نزول، تفتن ندارند و بسیاری از صنف آگاه به پژوهش مسئله محور، «خواهانی پیشرفت (رشد - توسعه)»<sup>۱</sup> را در برآیند نظام انتظارات با جمع‌بندی اصل معنی‌داری زندگی، متعلق روش پژوهش تفسیری نمی‌دانند و به همین علت رویکرد<sup>۲</sup>، نقطه عزیمت، مقصد و زاویه دید پیشرفت‌شناخت

۱. پیشرفت به مفهوم جریان تغییر به سمت وضعیت بهتر برگیده هر ملت - دولتی است و دارای دو سطح مفهومی است؛ نخست، رشد یعنی سیر تغییر مجموعه انسانی به سمت آرمان مطلوب فراتاریخی با اوصاف تصویری منابع دینی، برآیندیافته در اسماء و صفات الهی که در ذیل یک مدل مفهومی در دو سطح میانی نظری و الگوی ارزش‌داورانه سامان می‌یابد؛ دوم، توسعه یعنی فرایند برنامه‌ای، زمان‌مند متناسب با مقدمات در اختیار در چارچوبه الگوی فراتاریخی رشد در فرایندی از هدف‌گذاری، تا سیاست‌گذاری تا برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت و پایش مورد نیاز. توسعه، رشد برنامه‌ای در چارچوبه یک نظام مدیریتی معین است.

به پژوهش تفسیری و بنیان نظریه تفسیر و تفسیری ندارند و بر این مدار فرارشته‌ای، تناسب میان رویکردهای فلسفی و نظری، با رهیافت‌های روش‌شناختی مبتنی و منطبق بر آنها پدیدار نگردیده است و چه بسا آگاهان به مسئله پیشرفت و ضرورت رویکرد پیشرفت‌شناخت، دارای «سامانه جامع روش‌شناسی مورد نیاز تفسیری» با ارکان لازم آن مانند روش‌شناسی سیستمی چندگانه نیستند. و چه بسا توانمند در روش تحقیق و آگاه به سه روش تحلیلی، تاریخی و تطبیقی باشند و چه بسا مدرس آن، اما روش‌شناسی و چارچوب نظری راهبری تحقیق رشد - توسعه‌نگر را نداشته باشند و دستاوردهای دانشی‌شان رهسپار تدبیر قرآنی عینیت نباشد و بدین‌سان پژوهش تفسیری و زایش اثر تفسیری در این رویکرد و در راستای این روش‌شناسی به میان نیامده است و نتوانسته است به سطوح بالادستی نظام مدیریت و مدنیت معاصر و ج.ا.ا، به ویژه در دویخش نقشه جامع علم و علمی دست دهد. و در برآیند خویش در راستای تصویر فراروش نظام مدیریت ملی معاصر تحول باشد.

بدین‌سان پرسش از روش‌شناسی با شش شاخصه پردازش خودآگاه معطوف به مسئله پیشرفت در راهبری سازوکاری تغییر و تحول جریان در نگاشت‌های مسیری نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی نرسیده است.

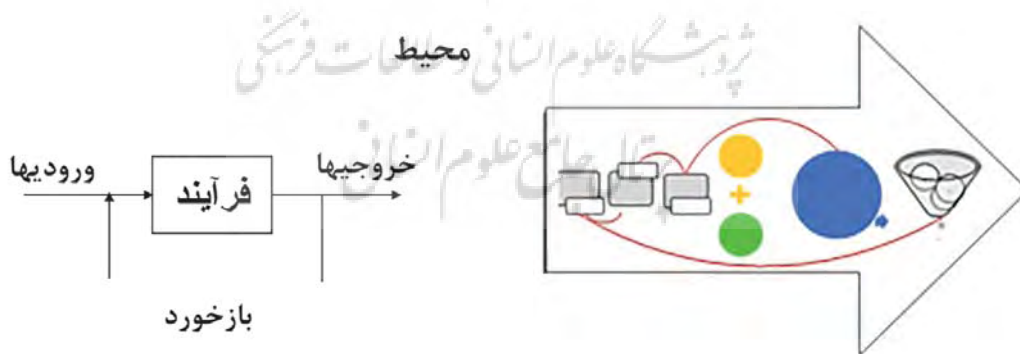
اقتدار توسعه‌ای تفسیر میان‌رشته‌ای قرآن کریم، در گرو تلقی به مثابه روش‌شناسی تفسیر پیشرفت‌شناخت است. رویکرد به پاسخ این پرسش بنیادین در مجامع دانشی کشور آغاز شده است و حجم عمده‌ای از این مباحث اکنون به مباحث پارادایمی این موضوع معطوف است و همچنان راه‌گذری به منطق تفسیر میان‌رشته‌ای و تولید دانش میان‌رشته‌ای‌های قرآن کریم به سامان نرسیده است. فرارشته‌ای مرجع و سازوکار (فرایند و روش‌شناسی مرجع) این تفسیر و تولید چیست؟

پرسش از سازوکار و به طور مشخص روش‌شناسی تفسیر و پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، پرسشی معطوف به پژوهش مسئله محور پیشرفت‌نگر است که در منظری سیستم‌نگر و سازوکاری، از سطح مبانی پارادایمی، تا نظریه‌ای تا مدل‌واره مفهومی و عملی و تا سطح گفتمانی را در بردارد و در سند مرجع الگوی راهبری تحول در دو ضلع راهبردی نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، با میانداری اصل ولایت تفقه در دین قابل جریان است.

مقاله پیش‌رو به مدد روش‌شناسی پیشرفت‌نگر و بازخورد استنتاجی تا استنباطی و تا تحقیق و توسعه‌ای، و روش‌شناسی‌های پشتیبانی چون روش‌شناسی سیستمی بر آن است تا در چارچوب رویکرد هماهنگ متن (آموزه‌های هدایتی دین) و زمینه (خواهانی و مسئله پیشرفت فراگیر پایدار)، با پی‌افکنی اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت به مثابه بنیان معرفت‌شناخت مکتب باسته تفسیری قرآن کریم، بر وفق فلسفه وجودی آن، روش‌شناسی فرآوری شده پژوهش آینده‌نگار راهبردی رشد - توسعه‌ای قرآنی را به همراه به سامان آوری سه نظام تربیتی، تنزیلی و موضوعی آینده‌نگار تفسیر به دست دهد و بر این مدار، ظرفیت این مکتب تفسیری را در سامان‌بخشی سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی در مقتضیات جهان معاصر به دست دهد. روش‌شناسی مزبور در یک نمونه پژوهش سوره‌ای به معرض آزمون می‌آید.

### ۱,۱. مقاله در شش فراز به سامان آمده است:

- نخست: بازخوانی ساختار مفهومی نظام پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم؛  
 دوم: فرایند برآمدن مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم؛  
 سوم: اندیشه دین شناخت پیشرفت، بنیان معرفت شناخت و فرارشته‌ای مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم؛  
 چهارم: بازخوانی سه نظام مرسوم پژوهش تفسیری؛  
 پنجم: الگوی سازوکاری فرارشته‌ای بر ساخت اندیشه و دانش میان رشته‌ای قرآنی؛  
 ششم: ساختاری پیشنهادی برای به سامانی روش شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم.  
 نگره پیشنهادی مبتنی بر ساختار الگوریتم فرایندی، به سامان آمده است. این الگوریتم برای یک سیستم چند پردازشی که باید در فرایندهایی با اولویت‌های مختلف به کار گرفته شود، مناسب است (محمدآبادی، ۱۳۹۵) و دارای ویژگی‌های ذیل است:
- ۱) در این ساختار فرایندی، کارکردها نقش ساختار را به وجود می‌آورند؛
  - ۲) در این ساختار ممکن است، یک فرایند دنباله فرایند دیگری نباشد هر چند ممکن است با آن باز خوردی داشته باشد؛ اما در مجموع یک هدف دنبال می‌شود؛
  - ۳) فرایندها یک طرفه نیستند و می‌توانند به صورت باز خوردی عمل کنند؛ به گونه‌ای که ارتباط فرایند یک عمل، به اجزای حاشیه‌ای و اجزای پیرامونی و نیز اجزای بسیار دور معطوف باشد؛
  - ۴) ارتباط بین اجزای یک سیستم بر اساس تأثیر گذاری و تأثیر پذیری فرایندها مشخص می‌شود؛
  - ۵) نگرش فرایندی به سیستم امکان می‌دهد تا ارتباط بین تک تک فرایندهای موجود در مجموعه‌ای از فرایندها و نیز ترکیب و تعامل آنها، کنترل مستمر داشته باشد (غفاریان، ۱۳۸۳). کاربرد این الگوریتم پیشنهادی در مقاله دیده می‌شود.



شکل ۱: ساختار فرایندی

### ۱,۱.۱. ساختار مفهومی پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم

مطالعه میان رشته‌ای، دانش‌ورزی و پژوهش مبتنی بر تعامل اثر بخش بین گستره‌ها و رهیافت‌های

دانش‌های مختلف در مقام حل مسئله واحد به مدد منظومه تعریف شده‌ای از روش‌ها در ذیل یک الگو و برنامه پویای (چونان الگوی گفتگوهای برافزایی مؤثر) معین (قراملکی، ۱۳۹۲) است. به اعتقاد کلاین مفهوم مطالعات میان‌رشته‌ای نقطه عطفی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تجربه کرده است (نیکول، ۱۳۸۸، ص. ۱۲).

طی نیم‌قرن اخیر در زمینه ضرورت‌ها و منافع فعالیت میان‌رشته‌ای مطالبی مطرح شده است؛ از جمله:

(۱) کاربردی و عملی تر بودن یافته‌های پژوهش میان‌رشته‌ای نسبت به پژوهش‌های درون‌رشته‌ای؛

(۲) تولیدگر و خلاق بودن پژوهش‌های بین‌رشته‌ای (گیبونز، ۱۹۹۴).

از نظر پالمر، با توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم مختلف فراهم می‌شود. (پالمر، ۱۹۹۹، صص. ۲۴۲-۲۵۳).

این نوع از مطالعه در عرصه قرآن‌پژوهی، وصف و ویژه‌ای دارد که به کثرت‌گرایی روش‌شناختی در تحلیل مسئله واحد محدود نمی‌شود. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای برای حل مسائلی به کار گرفته می‌شود که در آنها دستیابی به شناخت، فراتر از میدان فعالیت هر یک از رشته‌های تخصصی سنتی است. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در روش و تمرکز کثرت‌گرا هستند و با انگیزه‌های مختلف اجرا می‌شوند (آراسته، ۱۳۸۸).

برای حل مسائل پیچیده و توسعه پاسخ برای پرسش‌های چندوجهی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به یک ضرورت واقعی در دنیای علم، دانش و فناوری تبدیل شده است. در واقع پاسخ به نیازهای نوین بشری و حل مسائل امروزی با روش‌ها و ابزارهای سنتی امکان‌پذیر نیست. (مهدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۳).

در دانش و پژوهش میان‌رشته‌ای مستند به یک فراروش، معطوف به مسأله‌ای معین از وجوه معین موضوع نظر در حوزه‌های معرفتی گوناگون و به مدد روش‌شناسی‌های پشتیبان این حوزه‌ها، دانش مبنای مدیریت حل مسأله مزبور پیشنهاد می‌شود. در عرصه پژوهش بین‌رشته‌ای قرآنی با لحاظ آرمان رشد قرآنی-اوصیایی، مؤلفه‌های مسأله، دانش میان‌رشته‌ای مبنای فراروش، گستره‌های شناختی و روش‌شناسی‌های مربوط به آن، مستند به خاستگاه معرفت‌شناخت ناظر به آرمان مزبور یعنی اندیشه دین‌شناخت پیشرفت شکل می‌گیرد.

پنج مؤلفه راهبردی پژوهش میان‌رشته‌ای عبارت‌اند از:

(۱) خاستگاه معین معرفت‌شناخت این دانش ناظر به برآیند نظام انتظارات که به نوبه خود ریشه در مبانی فلسفه دینی معینی دارد؛

(۲) دانش فرارشته‌ای و فراروش مربوط به آن، فراگیر مساحت پژوهش میان‌رشته‌ای و بنیان الگوی جامع مدیریت حل مسأله؛

(۳) گستره‌های دانشی پشتیبان و روش‌شناسی‌های مربوط به آن در مدیریت حل مسأله؛

(۴) مسأله معین پیش‌رو در سطوح از مسأله جامع تا نظام مسائل پیرامونی به مثابه نمایان نظام انتظارات از دین؛

(۵) فرایند مدیریت حل مسأله و موقعیت مسأله‌ای.

با نظر به تعریف مبنای ارکان تحلیلی آن، در این مجال با سؤالات محوری چندی روبرو هستیم:

(۱) فرایند برآمدن شناخت و پژوهش میان‌رشته‌ای چیست؟



- ۲) در بنیان این فرایند و ناظر به اصل هویت‌بخش ایده میان‌رشته‌ای‌های قرآنی و در نسبت با نظام مسائل، اندیشه مبنا‌ی معرفت‌شناخت این منظومه میان‌رشته‌ای‌ها چیست؟
- ۳) پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به توسط چه نظام‌های پژوهشی پشتیبانی می‌شوند؟
- ۴) الگوی فرارشته‌ای بر ساخت اندیشه و دانش میان‌رشته‌ای قرآنی که منجر به تولید دانش بنیان مدیریت تغییر می‌شود، دارای چه سازوکاری است؟
- ۵) روش‌شناسی پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دارای چه سرفصل‌هایی است؟

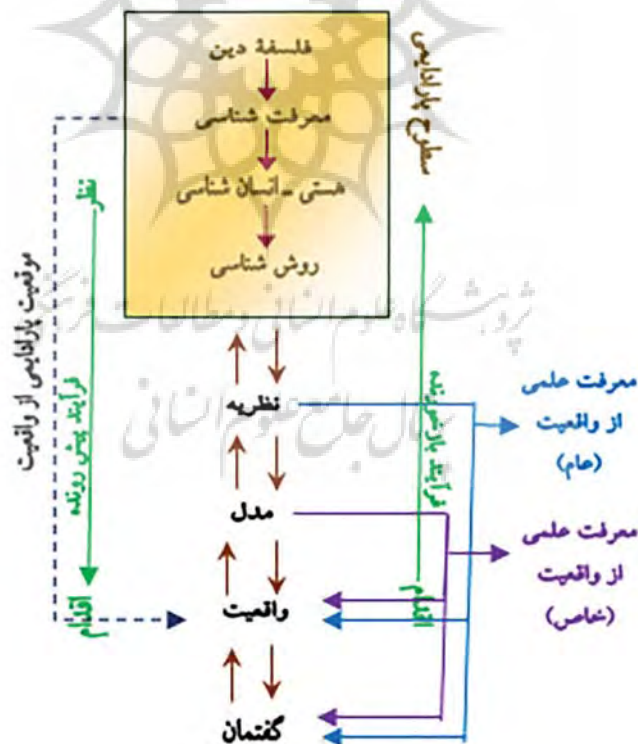
### ۱، ۱، ۲. فرایند برآمدن پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم

فلسفه تفسیر قرآن کریم و پارادایم حاکم بر مطالعات تفسیری پیشرفت‌شناخت، زمینه‌گرایی تفسیری در بلوغ سطح داد و ستد مشترک دو عرصه «دالت» و «استعمال» و نیز داد و ستد زمینه، متن و تفسیر متن، معطوف به مسئله مشترک هدایت به رشد و پیشرفت است. مفسر با توجه به برآیند نیازها و پرسش‌ها در هرم نیازهای پیشرفت، به سراغ متن می‌رود و تفسیری از سطح متن مدل مفهومی، به مدد تفسیر تربیتی، تا مدل عملیاتی آینده‌نگار، به مدد تفسیر تنزیلی ارائه می‌کند. این رویکرد مطالعاتی (منهج تفسیری) میان‌رشته‌ای، رکن اول مکتب و نظریه تفسیری است. معرفت تفسیری، متکی بر مبانی و سطوح هفت‌گانه پارادایمی مبتنی بر اندیشه دین‌شناخت پیشرفت در صدد ورود به واقعیت تجربی جامعه هدف است. در تفسیر قرآن کریم، چنان‌هر معرفت علمی، پیش‌فرض‌های هفت‌گانه فلسفه دین - حیات، معرفت‌شناخت، هستی‌شناخت، انسان‌شناخت، ارزش‌شناخت، زیباشناخت و روش‌شناخت وجود دارد که بر اساس آن شیوه ورود به واقعیت و خروج از آن مشخص می‌شود. اندیشه تفسیر پیشرفت‌شناخت، بر اساس این پیش‌فرض‌ها (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی)، از روش‌شناسی خاصی برخوردار است. روش‌شناسی در معرفت علمی روایی و پایایی معرفت را بر عهده دارد. از نظر اندیشمندان، روش‌شناسی، مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی که یک تحقیق علمی چگونه باید در یک بستر پارادایمی خاصی انجام شود، ارائه می‌شود (لاتر، ۱۹۹۲، ص. ۸۷؛ هاردینگ، ۱۹۸۷، ص. ۱ و کوکو و فنو، ۱۹۹۰، ص. ۲).

تجربه ایده میان‌رشته‌ای‌ها (از اندیشه مبنا تا منظومه دانشی)، دومین موج بازخوانی معرفت‌شناخت اندیشه معاصر به مثابه ذکر مکرری (دوباره خوانی ایده پس از دور اول برآمدنش در میانه قرن نوزدهم) برای تغییر (کلاین، ۱۳۸۹)، با میانداری برآمدن فکر ترقی‌یافته است (کاپرا، فریتیوف، ۱۳۹۲) که در عرصه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم نیز به نوبه خود بر بنیان خودویژه فرارشته‌ای «اندیشه دین‌شناخت پیشرفت» شکل گرفته و منظومه دانش‌های میان‌رشته‌ای برآمده از آن که بنیان نظام مدیریت دین‌شناخت پیشرفت است؛ در چارچوب ساختار کلان الگوی راهبری تحول و در ضمن نگاشت دانشی نقشه جامع اندیشه و دانش قرآنی، به سامان کاربردی می‌رسد. برای تولید معرفت قرآن‌شناخت که از مسیر استنباط و استنتاج، میسر است، اجزاء و عناصر متعددی چون فلسفه، پارادایم علم، نظریه تفسیر یا تفسیری، مدل

مفهومی و تجربی و واقعیت مورد مطالعه در یک ارتباط مرتبه‌ای، نقش آفرینی می‌کنند. (ایمان، ۱۳۹۱) مکتب تفسیری برگزیده مبتنی بر این بنیان فلسفه دینی - معرفت‌شناختی، به صورت پیشرونده و بازخورنده به عینیت در دستور تدبیر رشد - توسعه، در این شش سطح تحلیلی به سامان می‌آید: هر کدام از مراحل یاد شده شش‌گانه این فرایند، در ذیل روش‌شناسی جامع پیشرونده و بازخورنده حاکم بر کل فرایند دارای روش‌شناسی خودویژه‌ای دارد.

روش‌شناسی مزبور چه در سطح نظام جامع و چه در سطح لایه‌های فرایند، به اضلاع ماتریسی این فرایند (مانند سازوکار مدیریت تغییر) ناظر هست و باید باشد. اصل ظهور ایده میان‌رشته‌ای‌ها، چند رشته‌ای‌ها و ترارشته‌ای‌ها از ظهور اندیشه ترقی و مدیریت تغییر برآمده است؛ پس به منظور سامان بخشی درونزای آن بایستی در اولین گام فرااندیشه، فرادانش و فراروش مورد نیاز آن را به تناسب مکتب برگزیده الهیاتی خویش (مکتب قرآنی رشد) معین کرد تا بتوان مستند به آن در چارچوب نظام مدیریت پیشرفت و در ذیل دویال نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، در راستای بازخوانی مستمر نظام مسائل پیرامونی پیشرفت، به میان‌رشته‌ای‌های مورد نیاز حل این نظام مسائل اهتمام ورزید. که البته با دگرگونی در این نظام مسائل در دیگر بوم‌اقلیم‌ها و یا بوم اقلیم جهان اسلامی - ایرانی سامانه میان‌رشته‌ای‌های دیگری ضروری افتد.



شکل ۲: سلسله مراتب معرفت تا اقدام

نخست: سطح پارادایمی؛ این سطح، مبانی نظری و پیش فرض های فلسفه دینی، تا هستی شناختی تا انسان شناختی، معرفت شناختی ارزش شناختی، زیباشناختی و روش شناختی را در بر می گیرد که به مثابه پشتوانه فلسفی و پارادایمی تفسیر معطوف به فلسفه وجودی رسالت و وحی قرآنی (فلاح و هدایت به رشد و صلاح)، ورود به واقعیت تجربی جامعه هدف را که در حقیقت ماهیت مسیر و عناصری را که در فرایند تولید معرفت تفسیری سهمیم هستند (تفسیر معطوف به مسئله پیشرفت) مشخص می سازند. «اتجاه، منهج و رویکرد تفسیری» در این سطح شکل می گیرد.

طراحی مبانی پارادایمی دانش قرآنی مدیریت تغییر و تحول، با مباحثی مانند «روایت شناسی گفتمان: پارادایمی برای مطالعه میان رشته ای»، «نقش و کارکرد علوم شناختی در مطالعات میان رشته ای قرآن کریم»، «حس فرامتن آیات قرآن کریم»، «چگونگی رابطه علوم انسانی با معارف و حیانی»، «پدیدارشناسی وحی با تحلیل محتوا در متن قرآنی»، «خاستگاه و زمینه های نارسایی روش شناختی در ایده علوم انسانی - اسلامی»، «گونه های زمان و تاریخیت: زمان سنجی روندها و رخدادها در قرآن کریم» تدوین این پیش فرضهاست.

بنیان فرارشته ای منظومه میان رشته ای ها و چند رشته ای های قرآن شناخت در این لایه گذاشته می شود. اینک «تفقه در دین» و ولایتمندی آن در بنیان پردازی دانش مبنای تدبیر تغییر و تحول، خاستگاه معرفت شناخت پردازش نظریه تفسیر و در چارچوبه آن، نظریه دین شناخت پیشرفت می شود؛

دوم: سطح نظریه ای تفسیر؛ سطح نظریه ای تفسیر و تفسیری، در دومین سطح، همان پیش فرض های فلسفی و پارادایمی معین معطوف به اندیشه دین شناخت پیشرفت (و به طور خاص فلسفه دینی، معرفت شناختی و روش شناختی اندیشه و دانش تفسیری) است که با شکل بخشیدن به رویکرد معین تفسیری به دنبال انعکاس نظری از واقعیت، در تصویری ارزش داورانه در بیان نظام های مطلوب و بر مدار آن رویکرد به نقد وضع موجود و پیشنهاد راهبردهای تغییر است. نظریه تفسیری متاثر و منطبق با پارادایم رشدنگر (الهیاتی)، در صدد توضیح و تبیین استنباطی واقعیت رشد و کمال و صلاح و سعادت دین شناخت به نحوی است که بتوان در گذاری استنتاجی به مدل مفهومی تحول، به لحاظ تجربی و در ضمن یک مدل معین عملیاتی و تطبیقی در چارچوبه نظریه تفسیری برگزیده به آن واقعیت وارد شد. نظریه دین (قرآن) شناخت پیشرفت در دو سطح داد و ستدی نظری و ارزشی، به مثابه مساحت شکل گیری منظومه رشته ها و میان رشته ها در این سطح به داوری تحلیلی می آید؛ ورود قرآن پژوه از نظریه علمی به واقعیت، منشأ شکل گیری معرفت علمی از واقعیت است. نظام حاکم بر منظومه رشته ها در این سطح بسط عملی می یابد.

سوم: سطح دانشی؛ فرایند تولید دانش در ذیل نظریه برگزیده را مدنظر دارد. رشته ها، میان رشته ای ها و چند رشته ای ها و ترارشته ای ها در ذیل منظومه اندیشه دین (قرآن) شناخت پیشرفت (تفقه در دین)، در این سطح فرآوری می شوند. با این معرفت، امکان ورود تجربی به واقعیت



مورد نظر در الگوی فراتاریخی پیشنهادی دین در چارچوبه این گونه مدیریت تغییر (ولایت‌مندی نفقه در دین) وجود دارد. منظومه معارف یاد شده، در حقیقت بستری هستند تا از سطح دانشهای نظری چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تا دانشهای اعتباری و ارزشی چون فقه و اخلاق تا دانشهای کاربردی، با لحاظ سلسله مراتب معرفتی، وارد واقعیت شد. اندیشه قرآنی اینگونه و در این بستر بین‌رشته‌ای پیشرفت‌شناخت از سطح رشد نگری وارد تدبیر شأن نزول‌های مستمر و مصداق‌های پیاپندی و سطح تحقیق و توسعه‌ای می‌شود؛

چهارم: سطح مدل پردازی؛ سطح پردازش گفتارهای منطقی نظریه به منظور ورود به واقعیت تجربی است که در قالب نمودارهایی که در آن روابط میان متغیرها نشان داده می‌شود؛ معرفی می‌گردند؛ مرحله‌ای که برای عملیاتی‌سازی نظریه تفسیری برگزیده در مرحله تطبیق لازم است. فرایند جری و تطبیق اینک به درستی معنا می‌شود.

اندیشمند قرآن پژوه چنانچه می‌خواهد از عرصه علم به عمل (تفقه به انذار) وارد شود، به ناگزیر بایستی از واقعیتی که سودای راهبری آن را دارد معرفت کسب کند و به الگوی تدبیر آن بیندیشید، پس لازم است از نظریه‌سازی به سمت مدل پردازی در دو سطح مدل مفهومی و مدل عملیاتی حرکت کند. مجموعه دانش‌های بین‌رشته‌ای از سطح دانش‌های تولید پستوانه نظری تا الگوهای اقدام آرایش کارکرد خویش را در بوتۀ آزمون می‌آورند؛

پنجم: سطوح معرفتی تا تجربه تغییر در ضمن الگوی معین راهبری تحول در متن نظام دانشی معطوف به رشد - توسعه، به ناگزیر در فرایند برسازی و به‌سازی، نیازمند فرآوری گفتمانی نیز هستند و با ادبیاتی و زبانی خودویژه آرایش می‌یابند که ترجمه آشکاری همان فضای گفتمانی و سبک زیستی متن قرآن کریم باشد؛

ششم: سطح انبوه افزایی اطلاعات تفسیری در ضمن مدل‌های برگزیده، برای توسعه نظام تولید اندیشه و دانش قرآنی است.

در تمامی سطوح نظر به اقدام و اقدام به نظر این فرایند پیشرونده، بازخورانده وجود دارد. تحقیقات کاربردی قرآنی، اساساً در این فرایند و به مدد این رویکرد میان‌رشته‌ای در این فرایند، با مدل‌سازی و توجه به واقعیتی خاص، در خدمت حل مسائل و مشکلات انسانی و اجتماعی قرار دارند؛ در حالی که تحقیقات بنیادی، عمدتاً با اصلاح و بازسازی نظریات علمی، سعی بر گسترش مرزهای دانش دارند. به همین لحاظ، چینه‌شناسی این منظومه دانشی از سمت نظریه به مدل‌سازی و در نهایت واقعیت است.

وجود رابطه میان پارادایم، نظریه و مدل، در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآنی خود مویذ رابطه‌ای منظم و هماهنگ میان تحقیقات کاربردی و بنیادی است.

بازخوانی منظومه قرآن‌شناخت نظام مدیریت معاصر دین‌شناخت پیشرفت، به معنای آن است که وجه دین‌دارانه نظام مدنیت و مدیریت در نظام ج.ا.ا، در گرو ارجاع بنیان اندیشه‌ای و سازوکاری این نظام مدیریتی، به سطوح پنج‌گانه اندیشه و دانش قرآنی است. این اهتمام دست

کم در دو عرصه بایستی انجام پذیرد، یکی: سره‌سازی خاستگاه اندیشه‌ای نظام مدیریت ملی (اندیشه مبنای پیشرفت) با ارجاع به نظام آموزه‌های قرآنی و دیگری اهتمام به کارآمدسازی و ارتقاء اقتدار توسعه‌ای (کارآمدی معطوف به توسعه برنامه‌ای) دانش تفسیر.

### ۱,۱,۳. اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، بنیان معرفت‌شناخت و فرارشته‌ای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

پیشرفت انسانی اساساً تکاپویی دانش بنیان است. دانش بنیان مدیریت پیشرفت به لحاظ این قابلیت معرفت‌شناخت به این قرار ولایت‌مند تغییر است و از حیث موضوعی و کاربردی، موضوع و مبنای دو الگوی پیوسته مدیریت تحول یعنی نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی است. «اندیشه ترقی»، اندیشه مضمونی «نقشه جامع علم» است؛ نقشه جامع علم همان «نقشه جامع اندیشه ترقی» است. «نقشه جامع پژوهش معطوف به توسعه» نیز از همین ایده برمی‌آید و از همین رهگذر می‌توان رهسپار «دانش‌های دین‌شناخت مبنای راهبری تغییر به سوی آرمان رشد» گردید. عرصه‌هایی میان رشته‌ای، عرصه‌های دانشی معطوف به مسأله و نظام مسائل پیشرفت با لحاظ کارکرد در متن فرایند مدیریت تغییر است:

۱) «دین»، «آیین رشد» و به این قرار شامل سامانه مبانی بینشی - معرفتی، سامانه ارزش‌ها و حقوق و سامانه روش‌ها و الگوهای عملی و برنامه‌ای و الگوهای توسعه‌ای است. متکی بر این چشم‌انداز، اندیشه دینی اندیشه هدایت و آرمان رشد تعریف می‌شود و دانش جامع رشد، در ادبیات قرآنی روایت «تفقه در دین» نام دارد.

«تفقه در دین» سامانه جامع ادراکی معطوف به رشد بوده، به سخنی دیگر تفقه در دین جریان شناخت هدایت دینی و بر این اساس، تفسیر رشد و فرآیند راهبری به سوی آرمان رشد و جاری در فرآیند مدیریت به سوی آرمان رشد است؛

۲) دانش این سامانه جامع منجر به راهبری دانش‌بنیان تا خودتوانمندی قسط‌بنیان جامعه مخاطب، در پاسداشت خودی رشد یافته خویش، همان «فقه در دین» است. قرآن کریم و حدیث، این گستره جامعه دانشی - رفتاری را توضیح می‌دهد. تعبیر «حکمت» معادل همین «فقه در دین» در نظر گرفته شده است. سامانه جامع «تفقه در دین»، فراگیر همه حوزه‌های ادراکی حقیقی و اعتباری جای گیر در منظومه میان رشته‌ای‌ها است. انواع حوزه‌های ادراکی یادشده از ادراکات حقیقی تجریدی (فلسفی - کلامی) تا ادراکات تجربه‌پذیر حقیقی تا ادراکات غیر علمی غیر حقیقی (مانند علوم انسانی) تا ادراکات اعتباری و تا ادراکات حضوری، به تمامه در این سامانه جامع جغرافیایی حضور دارد؛

۳) این نظام جامع معرفتی، مستند پرداخت الگوی مطلوب، نقد وضعیت موجود و پرداخت نظام برنامه راهبردی است. به این قرار فرآیند تحقیق و توسعه دین‌شناختی، درون سامانه جامع تفقه در دین دیده می‌شود. فصل تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین، همان گفتمان برنامه‌مند اندیشه

دین‌شناختی ترقی است، از این رو ولایت تفقه در دین به طور خاص در عرصه تحقیق و توسعه دریافت و تجربه شده و به آزمون درمی‌آید.

قرآن کریم می‌آموزد: «...فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲).

روایات اولیاء معصومین توضیح می‌دهند:

امام صادق (ع): «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ وَ يُلْهِمَهُ رُشْدَهُ: خَدَاوَنَدِ وَ قَتَى كَهْ بَرَاي كَسِي خَيْر وَ خُوبِي رَا ارَادَه كَنَد، اُو رَا فُقِيَه دَر دِين مِي گَرْدَانَد وَ اَز اِين رَهگَدَر رُشَد وَ تَعَالِي رَا بَه وِي الهَام مِي نَمَايَد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص. ۱۷۷).

امام صادق (ع): «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تِمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا: آي مَرْدَمَان بَه تَفَقَه دَر دِين خَدَاوَنَد رُوي آوَرِيَد، چَرَا كَه كَلِيَد گَشَايِش رُوشَن بِنِي وَ بَصِيرَت وَ مَائَه مَنزَلَت تَمَام يَافَتَن عِبُودِيَت وَ عِبَادَت دَر نَزَد خَدَاوَنَد گَار اَسْت وَ خُود مَوْجِبِيسَت بَرَاي نِيل بَه رَتَبَه‌هَای بَلَنَد وَ جُودِي وَ مَرَاتَب بَر جَسْتَه رُويِش وَ فَلَاح دَر دُنْيَا وَ آخِرَت.» (همان، ج ۱۰، ص. ۲۴۷).

از این نمونه آموزه‌ها درمی‌یابیم که «تفقه در دین»، در حقیقت اندیشه فرارشته‌ای رشد و مقسم منظومه اندیشه‌ها و دانش‌های درون دینی است. نظام ملی راهبری پژوهش و آموزش قرآنی، براساس این مبانی فرارشته‌ای بایستی به بازسامانی دانش‌های مزبور اهتمام ورزد. ولایتمندی تفقه در دین، بستر جریان دانش‌های مزبور به تدبیر واقعیت‌های نوبه‌نو شونده است. سند الگوی پیشرفت، سند الگوی پیشرفت تفقه در دین بنیان است.

نقشه جامع اندیشه و دانش قرآنی، بدین‌سان، برای رهسپاری به کانون نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، همان نقشه جامع تفقه در دین است.

با آنچه ذکر شد؛ کانون فرا اندیشه‌ای و به این قرار فرا دانشی سامانه میان‌رشته‌ای‌ها به روشنی می‌گراید. تفقه در دین (اندیشه دین‌شناخت پیشرفت) این کانون فرا اندیشه‌ای است که به دلیل ولایتمندی‌اش، مرجع نظام‌بایی میان‌رشته‌ای‌های قرآن‌شناخت و دین‌شناخت، محسوب می‌شود.

### ۱، ۱، ۴. سه نظام مرسوم پژوهشی زیرساز رویکرد پژوهش میان‌رشته‌ای

پژوهش میان‌رشته‌ای پیشرفت‌شناخت قرآنی توسط چه نظام‌های پژوهشی پشتیبانی می‌شوند؟ دو دسته نظام پژوهشی مورد، نیاز این رویکرد میان‌رشته‌ای‌ها است:

۱) پژوهش‌های مبنا در دو فصل نظام پژوهشی ترتیبی و تنزیلی؛

۲) پژوهش‌های موضوعی آینده‌نگار مسائل پیشرفت.

اندیشه دین‌شناخت پیشرفت در طی فرایند شش گامی گذار از نظر به اقدام در واقعیت و بازخورندهای مستمر خویش، نیازمند بستر برسازی و فرآوری است. با پذیرش حیث معرفت‌شناخت مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت، سه نظام برجسته پیوسته و هماهنگ پژوهش

مسئله محور پیشرفت شامل پژوهش پارادایمی تا مدل مفهومی (تفسیر ترتیبی)، پارادایمی تا مدل عملیاتی جامع (تفسیر تنزیلی) و مدل موضوعی راهبرنده (تفسیر سیستمی - موضوعی) است که در برآیندی معطوف به پژوهش فرایندی و سازوکاری، مکتب تفسیری مزبور را از مرحله طرح اندیشه و دانش پیشرفت تا الگو و نظام مدیریت پیشرفت بسط می‌دهد. بین رشته‌ای قرآنی از متن این سه نظام برمی‌آیند و به بهسازی آن‌ها مدد می‌رسانند. مکتب برگزیده تفسیر پیشرفت شناخت در مرز فارق با دیگر مکاتب تفسیری، ویژگی‌های ممتاز خویش را در این سه نظام به معرض نقد و نظر می‌آورد. ضلع دوم این ماتریس روش‌شناسی، دو نظام پژوهشی دادوستدی ترتیبی و تنزیلی ناظر به برآیند تفسیر موضوعی آینده‌نگار است. فرایند شش‌گانه معرفت تفسیری در هر این سه عرصه پژوهش دارد.

این مکتب تفسیری، از سویی به میزان توفیق اصالت اندیشه‌ای و خلوص معرفتی و از سویی دیگر، از حیث کاربردی افزون‌تر دستاوردهای تفسیری (به آن میزان که به ماهیت معرفت‌شناخت مکتب تفسیری برگزیده پیشرفت شناخت منتسب باشد) اجازه میانداری را در نظام اندیشه و دانش قرآنی می‌یابد. بایستی تصویری روشن و روش‌مند از جریان نظام‌واره اندیشه ترتیبی و تنزیلی قرآنی در الگوپردازی پیشرفت (رشد - توسعه) و تدبیر عینی راهبردی آینده‌نگار آن داشته باشیم تا الگوی فلسفه‌هنجارین رشد به گونه‌ای روش‌مند و زمان‌شناس به استناد الگوی ترتیبی قرآن کریم؛ و الگوی عملیاتی و توسعه‌ای به گونه‌ای راهبردی و آینده‌نگار به استناد الگوی تنزیلی قرآن کریم، مجال جریان در عرصه اندیشه و اقدام بیابد.

منظومه تفسیری رشد در تفسیر نظام ترتیبی قرآن حکیم با در نظر گرفتن یک چارچوبه خودویژه اندیشه‌ای و روش‌شناسی تفسیری پیشرفت‌شناخت، سه الگوی جامع «ترتیبی»، «تنزیلی» و «موضوعی مدیریت پیشرفت (رشد - توسعه)» را بازخوانی می‌کند. حاصل اینکه دو نظام پژوهشی ترتیبی و تنزیلی، دو فرایند پشتیبان تولید اندیشه و دانش برای جریان‌یابی ناظر به مسأله و نظام مسائل معینی هستند که در چارچوبه پژوهش‌های موضوعی آینده‌نگار می‌تواند در بسترها و مساحت‌های گوناگون دانش میان‌رشته‌ای جای گرفته و از طریق فرآوری پژوهش و مطالعاتی ناظر به آن مسأله یا نظام مسائل، حیث درونزایی آن را نسبت به دو مؤلفه جهان اسلامی و جهان ایرانی، تأمین و ارتقاء بخشد:

۱) الگوی ترتیبی قرآن کریم: پژوهش رشد‌نگر در منظومه ترتیبی موجود قرآن کریم بر اساس نظریه حداقلی توقیفیت سوره‌ها و نظریه حداکثری توقیفیت کل قرآن کریم. در این الگوی پژوهش، مدل مفهومی رشد یا الگوی فلسفه‌هنجارین رشد، استنباط و تبیین می‌شود؛

۲) نظام تنزیلی قرآن کریم: پژوهش برنامه‌نگر توسعه‌ای در نظام ترتیب تاریخی تنزیل قرآن کریم بر اساس میانگین نظریات ترتیب نزول آیات و بعضاً سوره‌ها. در این نظام پژوهشی، ترتیب نزول سوره‌ها، سیاق‌های درونی و آیات، به مثابه نظام آینده‌نگار مرجع برای راهبری جامعه

۱. ن. ک. به: آکوچکیان، احمد (۱۳۹۲)؛ الگوی تنزیلی قرآنی، اندیشه توسعه‌ای - تمدنی؛ بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه به سفارش مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد).

هدف در نمونه مصداق‌های ممکن و قابل پی‌آیند در روزگار پسین، دیده و تفسیر می‌شوند، تا به مدد آن در هر موقعیتی با چنین مختصاتی، چنین رویکردی تدبیر شود و نهاد اندیشه‌ای و مدیریت تغییر (فاعلان فردی و اجتماعی و تمدنی) مستند به این الگوی مرجع در فرایند برنامه‌ای تدبیر رشد جامعه هدف در قالب یک نظام تحقیق و توسعه‌ای، روشن بین نقطه‌های برجسته‌تری تاریخی در نظام اولویت‌های مدیریت تغییر (در مثل اولویت تربیت منابع انسانی بر سازماندهی حاکمیت جامعه هدف (مکی - مدنی) اولویت ظرفیت شخصیتی بر ادب سلوک ظاهر) باشد. نظام تنزیلی قرآن کریم منطق حاکم بر نظام برنامه‌ریزی راهبردی آینده‌نگاری است و سنت آل‌البیت (ع) این منطق مرجع را توسعه کاربردی بخشیده است؛

۳) الگوی موضوعی مدیریت پیشرفت: پژوهش تخصصی مفهومی - توسعه‌ای ناظر به مسائل کلان‌نگر و جزءنگر پیشرفت جامعه هدف در برآیندگیری از دو الگوی تربیتی و تنزیلی؛ مانند پردازش منشور مبنای رشد یا سند الگوی پایه توسعه به مثابه مدخلی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

ساختار آغازین روش‌شناسی برگزیده، دارای شاکله زیر است که می‌تواند در آثار تفسیری پیشنهادی این قلم در مکتب پیشنهادی تفسیر پیشرفت‌شناخت، به معرض داوری آید:

۱) روش‌شناسی پژوهش مسئله‌محور با محوریت اندیشه مبنای پیشرفت‌شناخت قرآن یا قرآن‌شناخت پیشرفت؛

۲) پردازش تفسیر تربیتی از چشم‌انداز الگوی تربیتی به مثابه مدل مفهومی الگوی قرآنی رشد در پیوستگی با الگوی تنزیلی به مثابه الگوی برنامه‌ای تحقق بخش آموزه‌های رشد؛

۳) «تفقه در دین» مبنای معرفت‌شناسی برگزیده این شیوه تفسیری است، منظومه آموزه‌های قرآنی، آموزه‌های نظام جامع ادراکی رشد (تفقه در دین) محسوب می‌شود؛ بدین سان، گزاره‌های تفسیری، فراگیر گزاره‌های انشائی یا اخباری است. تفقه در دین اندیشه مبنای دین‌شناخت رشد - توسعه است و هر سوره‌ای در این منظومه جامع، جایگاه خود ویژه خویش را دارد؛

۴) هر سوره به مثابه یک منظومه، یک سیستم، با یک ایده مبنای، در جغرافیای جامع الگوی مفهومی رشد قرار دارد؛

۵) قابلیت نظام تعالیم قرآنی برای ورود به نظریه‌پژوهی پیشرفت، به ویژه در دو سطح مبانی نظری و الگوی مطلوب رشد (منظومه چرایی‌ها و چیستی‌ها از سویی و چگونگی‌ها از سویی دیگر) با ملاحظه دربردارندگی اصول ارزش‌دورانه مدیریت آینده‌نگار راهبردی؛

۶) جهت‌بخشی مجموعه دستاوردهای تفسیری در ذیل نگره رشد‌پژوه در نظام ملی تولید علم یا نقشه جامع علم و به طور خاص علوم انسانی با نگره بین‌رشته‌ای؛

۷) قابلیت این روش برگزیده تفسیری برای گذار از فهم سمانتیک و دلالی (مستند به اصول استنباط تفسیری) به تجربه هرمنوتیک (به مفهوم نشانه کردن و زبان‌دار ساختن هنرشناخت فهم

سمانتیک و دلالتی خود در متن تجربه زیستی خویش) حاجت مند یک روش شناسی معینی است که از سنت آل البیت (ع) منشأ می گیرد؛

۸) جریان یابی مجموعه آموزه های تفسیری هر سوره در نقشه جامع علمی نظام ج.ا.ا.، (الگوی پیشرفت دانش بنیان) در فضای مقتضیات جامعه هدف (مانند جامعه ایرانی) و در این عرصه در سند الگوی پایه پیشرفت؛

۹) امکان سامان بخشی نظام جامع موضوعات رشد - توسعه.

### ۱، ۱، ۵. الگوی سازو کاری فرارشته ای تولید اندیشه و دانش میان رشته ای قرآنی

برآیند فرایند شش گانه تفسیر رشد - توسعه با مثلث تفسیر ترتیبی، تنزیلی و موضوعی، یک الگوی پیشرونده و بازخورنده است. در این صورت، فرایند از پارادایم تا تولید گفتمان حیث گزاره ای یافته و ظرفیت پردازش فرارشته ای و بر بنیان آن، میان رشته ای، چندرشته ای و ترارشته ای منظومه دانشی مبنای مدیریت تغییر و تحول را می یابد. از مجموعه مباحث تحلیلی معرفت دینی شناسی، روش شناسی و در ذیل آن «روش شناسی پردازش الگوی دین شناختی رشد - توسعه» است. خواهانی رشد و پذیرش رشدانگاری و رشد راهبردی دیانت مصطفایی، اساس آموزه های دین مصطفایی است که در یک ساختار نظام بخش مکتب راهنمای عمل رشد - توسعه، به دست داده می شود. چارچوبه عمومی نظریه، اینک پیش روست.

در پژوهش تفسیری پیش رو با نمونه سوره حدید، چپستی و کارکرد این الگوی روش شناختی را مرور کرده و به آزمون درمی آوریم. مرور و تلاوت مستمر سوره و مطالعه تحلیلی تفسیرهای موجود سوره، سامانه عمومی کلیت سوره را به تدریج روشن و روشن تر، پیش روی پژوهش مسئله محور تفسیری، آشکار می سازد:

۱) سوره با مباحث هستی شناختی و به طور خاص در متن و کانون آن «خداشناسی» آغاز می شود. گزاره های سوره از «سَبِّحْ لِلَّهِ...» در آیه اول تا آیه ششم، با دو اشارت خاص انسان شناختی: «...وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و نیز «...وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و نیز آیات نظری در فرازهای دیگر سوره، گزاره های اخباری اند. آموزه های فلسفه دینی، معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی، و زیباشناختی و در برآیند آنها، «بودشناسی و فلسفه رشد - پیشرفت» در این فراز از سوره، دانستنی اند.

۲) سوره از آیه هفت تا آیه ۲۴، شامل گزاره های انشایی در بردارنده دو مبحث برجسته فراخوانی به «جریان ایمان ورزی» در فصل انگیزه ها و احساسات و رویکردهای انگیزشی و سپس و بر مدار آن «عملکرد و رفتار بر مدار انفاق و ایثار»، مبتنی بر آن مبانی نظری است:

در آیه هفت، اشاره به هر دو وجه انگیزشی و رفتاری به اختصار؛

در آیات هشت و نه، تأکید بر وجه انگیزشی و ایمانی جریان وجود؛

در آیات ده تا هجده، تأکید بر وجه رفتاری و عملکردی با میان داری کشش انگیزشی و ایمانی؛

در آیات ۱۹ تا ۲۴، به برآیند کلیت زیست بالغ دیندارانۀ آدمیان بر مدار همان دو اصل ایمان و انفاق می‌پردازد.

آیات نشان می‌دهند که الگوی مطلوب روحی- رفتاری پیشنهادی در قرآن و سوره بر بنیان بینش هستی‌شناختی- انسان‌شناختی، تصویر شده است.

(۳) آیه ۲۵، با تغییر لحن و ادبیات به اصول انبیاپی و درون‌زای الگوی هدایت به رشد خداوندی، نظر دارد.

(۴) در آیات ۲۶ و ۲۷، تاریخ انبیا (تاریخ مقدس)، علیت درونی تحول تاریخ و قابلیت ورود الگوی انبیاپی رشد به عرصۀ تحول تمدنی، پیش‌رو می‌آید.

(۵) در آیات ۲۸ و ۲۹، فراخوانی آیه هفت (آمِنُوا... وَأَنْفِقُوا)، متکی بر کلیت سوره و به ویژه بر بنیان اصول رسالت انبیاپی و کامل‌ترین آن (رسالت نبی خاتم)، تفصیلی نظام‌واره می‌یابد.

با مروری بر این فرازهای پنج‌گانه، ساختار اصلی تفسیر سوره شکل می‌گیرد.

پژوهش کارگاهی سوره و تفتن روشن‌بین به نحوۀ ارائه آموزه‌های قرآنی و شیوۀ ترکیب گزاره‌های اخباری و انشایی درون سوره در قالب الگوی کلان پیشنهادی رشد، تأکید بر این نکته روش‌شناختی ارجمند دارد که برخلاف برخی از آراء اهل نظر<sup>۱</sup> آموزه‌های دین تنها آموزه‌های بینشی و ارزشی نیستند، بلکه دربردارنده آموزۀ روشی نیز هستند. به این قرار در گزارش مثل این نمونه کاربردی سه عیار نقد به کار گرفته می‌شود:

نخست، آموزه‌های گزاره‌ای: چه گزاره‌های اخباری و چه گزاره‌های انشایی؛

دوم، اصول و روش‌های ترکیب بین گزاره‌ای و به تعبیری سامانه‌های ترکیبی گزاره‌های اخباری و انشایی در مثل جایگاه‌های هر آیه، نوع ترکیب آیه‌ها، نوع ترکیب بین سوره‌ها، نوع تقدیم و تأخیر پیام‌ها، بود یا نبود یک پیام؛

سوم، شیوۀ راهبری کلیۀ لایه‌های شناختی و مدیریتی منجر به رشد - توسعه؛

به اشارت، آیه‌های سوره مرور می‌شود و با سه عیار نقد پیشنهادی تحلیل می‌شود و جایگاه گزاره‌ای آنها در الگوی عمومی اندیشۀ رشد<sup>۲</sup> به شرح شکل<sup>۳</sup>، معلوم می‌شود. در این منظومۀ معرفتی هشت دسته گزاره در اختیار است:

- گزاره‌های الف: گزاره‌های حقیقی هستی‌شناخت - انسان‌شناخت تازیباشناخت؛

- گزاره‌های ب: گزاره‌های اعتباری ادراک فراینزها؛

- گزاره‌های پ: گزاره‌های اعتباری نظام مطلوب؛

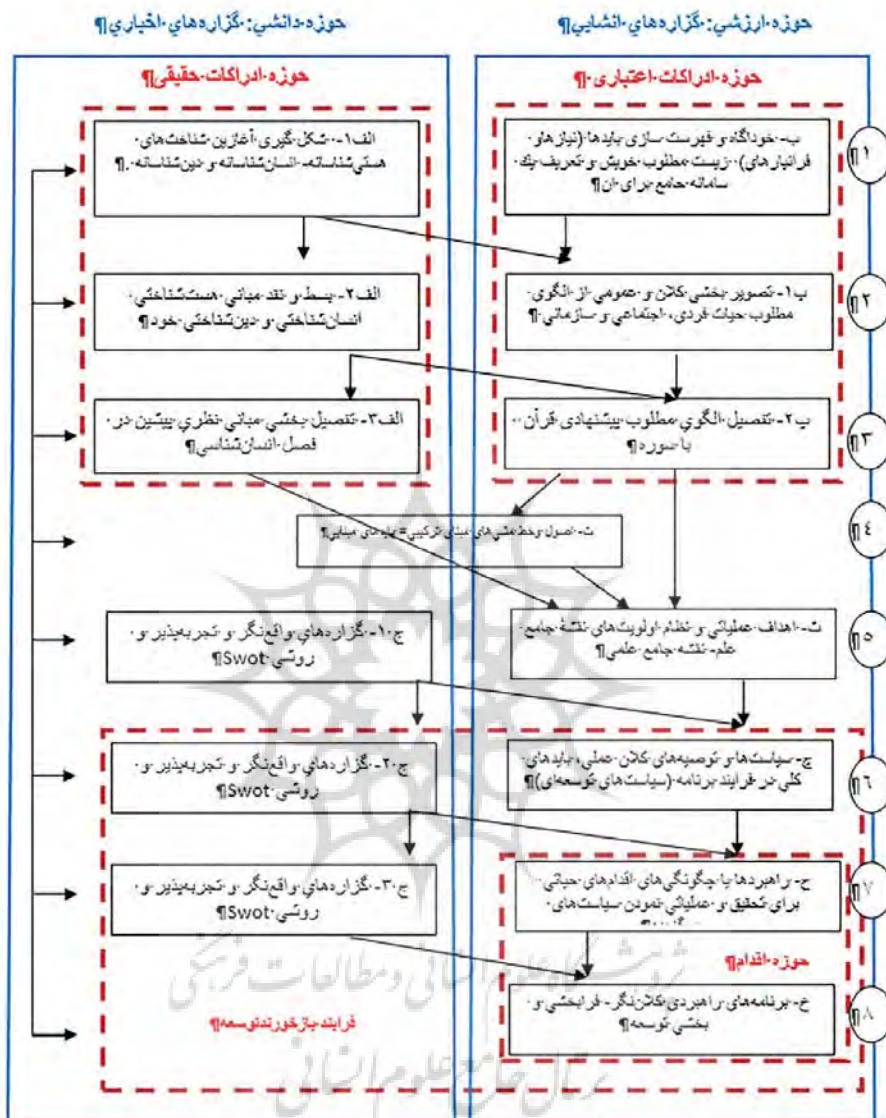
- گزاره‌های ت: گزاره‌های آمیخته اصول و خط مشی و نظام اهداف؛

- گزاره‌های ج: گزاره‌های حقیقی تجربه‌پذیر؛

۱. مانند عبدالکریم سروش و نوع متفکران سنت‌گرای حوزه دینی مانند سیدحسین نصر

۲. برای دانستن تفصیل این الگو از جمله نگاه کنید به همین قلم: تفسیر سوره حمد.

۳. به نحوۀ ترکیب بین گزاره‌ها و انتاج گزاره‌های مابعدی از طریق فلش‌ها از سطح مبانی نظری به سطح الگوی مطلوب و به سطح مدیریت توسعه‌ای توجه کنید.



شکل ۳: الگوی نظام جامع پیشرونده اندیشه پیشرفت

- گزاره‌های چ: گزاره‌های آمیخته سیاست‌ها؛
- گزاره‌های ح: گزاره‌های آمیخته راهبردها؛
- گزاره‌های خ: گزاره‌های آمیخته برنامه‌ها.

ترکیب این نظام گزاره‌ای را در ضمن ماتریس فرایند رشد - توسعه و سازوکار گزاره‌های پیشرفت‌شناخت با سوره حدید مرور می‌کنیم:



- (۱) «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شامل مجموعه گزاره‌های هنجاری بپ (۱) و گزاره‌های اخباری الف (۱)، الف (۲) و الف (۳)؛
- (۲) آیات «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» «...بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» از زمره گزاره‌های اخباری الف (۱)، الف (۲)؛
- (۳) «...وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ...» گزاره اخباری الف (۳)، گزاره هنجاری بپ (۱)؛
- (۴) آیات «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ...» مربوط به گزاره‌های اخباری الف (۱) و الف (۲)؛
- (۵) آیه «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» و آغاز آیه ۸ «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ...» ناظر به گزاره‌های ب، پ (۱) و بخشی از پ (۲) و فراز «وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ» آیه ۸ در بردارنده گزاره‌های ت، الف (۳، ۲، ۱)؛
- (۶) آیه «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ...» و آغاز آیه ۱۰ «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا...» ناظر به گزاره‌های ب، پ (۱) و پ (۲) و ث؛
- (۷) آیات «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ...» و فراز «وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در بردارنده گزاره‌های الف (۳، ۲، ۱)، ث و ج (۱)؛
- (۸) آیات «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا...»، «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ...» مربوط به گزاره‌های پ (۲)، الف (۳، ۲، ۱) و گزاره‌های ترکیبی تحقیق و توسعه‌ای؛
- (۹) آیات «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»، «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ...»، «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ...» به ضمیمه آياتی چون آیات ۸ و ۱۰، افزون بر گزاره‌های پ (۲)، در بردارنده گزاره‌های اخباری الف (۳، ۲، ۱) و پیوستگی گزاره‌های اخباری و انشایی (گزاره ترکیبی)؛
- (۱۰) آیات «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ...»، «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ...»، «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا...»، همان ترکیب گزاره‌ای را که بیش از ترکیب بر عناصر، بر ترکیب گزاره‌هاست، نشان می‌دهند و می‌آموزند؛
- (۱۱) آیه «...يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» گزاره هستی‌شناسانه الف (۱) و الف (۲) و نیز گزاره معرفت‌شناختی، آیات «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» و «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ...» گزاره ت و نیز آیه ۱۹ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...»؛
- (۱۲) آیه «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» نشان‌گر گزاره‌های الف (۳، ۲، ۱) به ضمیمه گزاره ت؛ این آیه، افزون بر گزاره‌های یادشده، در بردارنده یک گزاره برجسته دیگر یعنی گزاره ج نیز هست؛
- (۱۳) آیه ۲۱ در آغاز، مربوط به گزاره‌های ب، پ (۱)، پ (۲) و با «...وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» مربوط به گزاره‌های الف (۳، ۲، ۱) و ت و گزاره ث. آیه ۲۱، یک نمونه تمام‌نمای ترکیب بین گزاره‌ای است.
- (۱۴) آیات ۲۲، ۲۳، ۲۴ چونان آیه ۲۱ با همان قابلیت گزاره‌ای و روشی در اختیار است و مجموعه گزاره‌های پیشین را در بردارند و تأکید بر قابلیت روشی ترکیبی بین گزاره‌ای آنها است.
- (۱۵) آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا...» در بردارنده گزاره الف (۴، ۳، ۲، ۱)، ب، پ (۲، ۱)، ت، ث، ج (۲، ۱) و چ؛
- (۱۶) آیات «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ...»، «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم...» در بردارنده گزاره‌های الف (۳)، ج (۳، ۲، ۱) و چ است و وجه کاربردی و اقدامی تحقق دینداری را به دست می‌دهند؛



۱۷) آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...»، «لَسَاءَ يَلْعَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ...» سطح کامل تر و بالغ تر پ (۲،۱)، الف (۳،۲،۱)، ت، ث، ج را پوشش می دهد. ضمن آنکه، گزاره های ح و خ و نیز آیات ۲۹، ۲۸، ۲۷ قابل مشاهده است؛

۱۸) «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» گزاره های ب، الف (۳،۲،۱) را شامل است. ترکیب متنوع بین گزاره های در آیات ۲۹ گانه سوره، همان گونه که صورت آیه ها نیز معین هستند، نشانگر آنند که: روح و منطق حاکم بر آموزه های سوره بیش از آنکه بر اجزای گزاره ای تکیه ورزیده باشد، بر نوع ترکیب بین گزاره ای و برآیند آموزه های جزء به جزء سوره که برآمده از همان فصل روش شناختی سوره است، متکی است.

از این چشم انداز می توان به نقطه اصیل و فلسفه تکرار برخی فرازهای آیه ای در کلیت قرآن کریم توجه کرد. اهمیت میزان فراوانی یک آیه در کلیت سوره از چشم انداز همین کار کرد روش شناختی سیستمی تبیین می شود. این نظام جامع ترکیبات بین گزاره ای در مثل سوره حدید عناصر میدان زیسته ای است که مخاطب در درون این فضا و این میدان زیسته قرار گرفته و می تواند از سویی الگوی پیشنهادی کلیت حیات در وجه نظر آن سوره را دریافته، به داوری مقایسه ای آن با دیگر مکاتب پرداخته و هم از سویی دیگر به نقد وضعیت تاریخی و جغرافیایی وجود خویش بنشیند که چه نسبت زیسته ای با سوره و با متن مقدس دارد و سطح تجربه هرمنوتیکی و وجوی خویش را در این میان داوری کند. در کلیت الگوی تحلیلی پیش رو، درمی یابیم که سوره حدید به دو اصل بزرگ و بدل ناپذیر در زندگی انسان ها و سیر رستگاران به سوی ابدیت (همارگی انسان) فرامی خواند:

۱) توحید حق؛

۲) عدل مطلق.

و تأمین این سعادت را، در گذرگاه واقعیت ها و عینیت های انسانی - اجتماعی تا رسیدن به ابدیت آرامش بخش (قیامت) با گرایشی اصیل به دو هدف عظیم و بنیادین الهی - انسانی می آموزد:

۱) نظام قرآنی عامل بالعدل؛

۲) جامعه قرآنی قائم بالقسط.

سرمشق غالب (سبک فکری مبنا) یعنی پارادایم پیشرفت دین شناخت در متن این سازوکار به سامان می آید. پژوهش تفسیری این نمونه سوره، با رویکرد پیشرفت پژوهی و در ضمن این ساختار به نمونه بهره ها و توصیه های زیر می رسد:

## ۱،۶،۱،۱. ساختاری پیشنهادی برای به سامانی روش شناسی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم<sup>۱</sup>

پژوهش میان رشته ای قرآن کریم دارای اوصاف خود ویژه ای است، که از آن جمله: جهت داری مسئله و نظام مسائل پژوهش میان رشته ای بر برآیند منظومه انتظارات از دین در خواهانی

۱. از تعبیر غلط مطالعات دینی بر حذر باشیم که منظور «مطالعه دین» و نه «مطالعه دینی» است و «مطالعه دینی» معادل پژوهش دینی، و «مطالعه دین» منظور دین پژوهی است. از این اشتباه مصطلح، دین پژوهی مراد است.

رشد و فلاح و سعادت (پیشرفت) و بدین سان رویکرد فرارشته‌ای به پیشرفت پژوهی قرآنی و سامان‌سازی فرایند پیشرفت (متین، ۱۳۸۸).

جای‌گیری هرگونه فرایند شناختی و پژوهشی در منظومه ادراکی دین‌شناخت پیشرفت یا تفقه‌دردین و فرایند اجتهاد مستمر حکمی؛

جای‌گیری منظومه روشها مورد نیاز پژوهش مسئله در ذیل نظام جامع روش‌شناسی سیستمی (مصلح شیرازی و همکاران، ...) پیشرونده و بازخورنده شناخت هدایت (پیشرفت: رشد - توسعه) قرآنی؛ بالحاظ داد و ستد مستمر دو منبع عقل جامع و وحی و بهادهی به دستاوردهای نوبه‌نو شونده بشری؛ یک نظام زبانی مشترک در فضای گفتمان قرآنی - اوصیایی؛

پرهیز از الگوی سلسله‌مراتبی خطی و توجه به حیث دینامیک و فرایندی شناخت و حلقه‌های بازخوردی همراه آن با برآیند یابی فرآوری فرایند معرفت‌تفسیری در ذیل سه نظام پیوسته پژوهش‌ترتیبی، تنزیلی و موضوعی آینده‌نگار معطوف به عرصه اندیشه، نظریه و گفتمان پیشرفت (رشد - توسعه)، دستاوردهای این فرایند ناظر به مسأله و نظام مسائل پیشرفت در متن منظومه عظیم تدبیر گزاره‌های حقیقی و اعتباری و نیز وجدانی، مؤلفه‌های دانشی میان‌رشته‌ای معطوف به فرارشته‌ای «اندیشه دین‌شناخت پیشرفت: تفقه در دین» بر می‌آیند و از مجرای منظومه‌های موضوعی زیر سیستمی در ذیل منظومه‌های ابرسیستمی سازمان می‌یابد و بدینگونه دین‌پژوهی پیشرفت فراگیر منجر به سامان‌یابی نظام مطالعات بین‌رشته‌ای قرآنی شده و منظومه‌های دانشی میان‌رشته‌ای، چند رشته‌ای و ترارشته‌ای ایجاد می‌شود. بدین‌گونه روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم بر ساخته و به ساخت مستمر می‌شود. اضلاع دیگر ماتریس نظام جامع پژوهش‌تفسیری، مساحت این بهسازی است. اصل برآیندی سرمشق غالب راهبری اندیشه و دانش مزبور است؛ بدین‌گونه انواع مکاتب، رویکردها، قرآنی در دین، روش‌شناسی راهبرنده اندیشه و دانش مزبور است؛ بدین‌گونه انواع مکاتب، رویکردها، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری با این معیار اصیل جایگاه بایسته‌عنوانی و نیز کارکردی خویش را می‌یابد و در تراز نقد قرار می‌گیرند. مرور گزارش‌گونه کتب داعیه‌ورز معرفی روش‌های تفسیر، عبرت آموز کاستی اصیل اینگونه رویکردها و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری از حیث روش‌شناسی پیشرفت شناخت (از حیث نظر تفسیری تا تدبیر آینده‌نگار عینیت) است. بخش پیشین آموخت که این کاستی نیز برآمده از آن نقیصه معرفت‌شناخت است که اندیشه تفسیری، اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت دیده نشده است. بر مدار این معیار اصیل، مشرب‌های پارادایمی متفاوت حاکم بر رویکردها و گرایش‌های یادشده، سطوح تفکیکی فلسفه دینی، معرفت‌شناختی و به‌طور خاص روش‌شناختی را جایگزین می‌سازد. با این آموخته، روش‌شناسی جامع تفسیر پیشرفت شناخت، روش‌شناسی مرجع منظومه‌های معرفتی و معارفی درون دینی است.

متون منطق تفسیری و روش تفسیر از رویکردها، روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری می‌گویند و آثار متعدد در این عرصه‌ها به گونه‌ای مشتت از این واژگان استفاده کرده‌اند. اندیشه مستند آثار یادشده، در ایستادن و رکود خویش به این گزارش معطوف‌اند.



پیشرفت پژوهی قرآنی و قرآن پژوهی پیشرفت:

۱) دارای تنوعی از مبانی فلسفه دینی است و اولین معیار تکثر این مشربها بر مدار این بنیان فلسفه دینی است. بر این مبنا برخی تفاسیر تصوفی (فرد نگر) و یا برخی تفاسیر اجتماعی هستند؛

۲) دارای تنوعی از مبانی معرفت‌شناختی است. بر مبنای این معیار انواع تفاسیر کلامی، فقهی، عرفانی، علمی یا فلسفی اتفاق افتاده‌اند؛

۳) دارای تنوعی از مبانی روش‌شناختی است. بر مبنای این معیار انواع روش‌شناسی‌های تفسیری چونان روش‌شناسی استنباطی، روش‌شناسی سیستمی و یا روش‌شناسی تجزیه و تحلیل معانی برمی‌آید. روش‌شناسی‌های یاد شده به طبع معرفت‌شناسی برگزیده شکل می‌گیرد.

این منظومه سه لایه‌ای، به نوبه خود می‌تواند در ذیل یک رویکرد جامع مسأله محور راهبری شود. رویکردی برآمده از متن اسناد بالادستی دین پژوهی در سه سطح الگوی تربیتی، الگوی تنزیلی و الگوی راهبرنده موضوعی. با این لحاظ:

پژوهش تفسیری قرآن کریم سه سطح معنایی روش‌شناسی دارد  
نخست، یک سطح تحلیلی آن روش‌شناسی به حیث ذات پژوهش مسئله محور با تأکید بر مسئله پژوهی پیشرفت؛

دوم، سطح دیگر تحلیل آن از حیث اصول روش‌شناسی تفسیر یک متن (متن مقدس یا هر متن دیگر)؛

سوم، از حیث اصول روش‌شناسی تفسیر پیشرفت شناخت متن قرآن کریم.  
با این ملاحظه فرآوردی روش‌شناسی پیشرفت پژوهی قرآن و قرآن پژوهی پیشرفت، در گام‌های زیر شکل می‌گیرد:

۱) گام اول شکل‌گیری ذهنیت فرا روش: در این گام اصل چستی روش‌شناسی، کارکرد عام آن و جایگاه و ضرورت آن و ساختار کلان مباحث آن شکل می‌گیرد، شامل دو بخش:  
مفهوم‌شناسی تازه روش تحقیق و روش‌شناسی تفسیری پیشرفت نگر، در اولین گام نیازمند تبیین روشنی است؛

پس می‌توان بر آن بنیان معرفت‌شناخت دست در کار پی‌افکندن بنیان تازه‌ای در فلسفه روش تحقیق پیشرفت نگر در اندیشه و دانش تفسیری شد.

۲) و در دومین گام با در اختیار داشتن ذهنیت مبنای فرا روش یا روش‌شناسی کلان، یک تکاپوی رفت و برگشتی مستمر با رویکردها و گرایش‌های تفسیری و الگوهای روش‌شناختی پشتیبان آن در چشم‌انداز روش‌شناسی تفسیری پیشرفت نگر ضرورت می‌یابد که به تناسب تطور و بهینه‌شدگی روش‌شناسی مبنای این دادوستد نظری و کاربردی می‌تواند افزون بر مدرسانی به حیث ایجابی روش‌شناسی برگزیده، حیث سلبی آن را تقویت جدی کند؛

۳) در گام سوم و به مدد دادوستد مستمر با دیگر رویکردها و روش‌شناسی‌ها، ساختار و شبکه تفصیلی روش‌شناسی برگزیده در سه سطح تحلیلی شکل می‌گیرد:

در یک سطح فرایند و سازوکار پژوهش تفسیری پیشرفت‌نگر: این منظومه روش‌ها، در ضمن فرایند و سازوکار پژوهش تفسیری پیشرفت‌نگر، جایگاه کاربردی و البته نظام‌واره خویش را می‌یابند. کلیت تدبیر این فرایند اندیشه‌ای و دانشی در ذیل الگوی جامع روش‌شناسی حکمی (فقه‌دردینی) اجتهادی معطوف به نظام مسائل پیشرفت، به سامان می‌رسد. داعیه مکتب قرآن‌شناخت پیشرفت و خواهانی آن این است که روش‌شناسی پژوهش پیشرفت در ذیل نظام جامع خویش مقتضای دانشی نظام درونی قرآن کریم است؛

و در سطح دیگر الگوی نظام جامع روش‌شناسی پژوهش تفسیری پیشرفت؛ و در راستای آن الگوی نظام جامع و دو سطح پیشین، شکل‌گیری دو نظام هماهنگ روش‌شناخت، یکی: روش‌شناسی مبتنی بر الگوی ترتیبی تفسیری قرآن کریم (در پردازش مدل مفهومی الگوی رشد) و دوم: روش‌شناسی مبتنی بر الگوی تنزیلی تفسیری قرآن کریم و کاربرد مستمر (مدل عملیاتی و الگوی برنامه‌ای آینده‌نگار راهبردی)؛

۴) در گام چهارم و به منظور بسط کارکرد تحقیق توسعه‌ای روش‌شناسی برگزیده تفسیری کوشش در شناخت و کاربرد آزمونی و از این رهگذر می‌توان با بهره‌مندی از عرصه‌های نوین روش‌شناسی پیشرفت پژوهی قرآنی؛ آن الگوی جامع و این روش‌شناسی درونزای مفهومی و عملیاتی را ظرفیت مفهومی و کارآمدی بیشتری بخشید؛

۵) و در پنجمین گام فرآوری کاربردی روش‌شناسی برگزیده در گذار از مرحله‌ی تفسیر به تدبیر قرآنی تغییر در تناسب با منظومه و فرایند روش‌شناسی‌های پیشین با محوریت آشنایی و کاربرد مستمر، شامل:

نخست، روش‌شناسی اقتدار توسعه‌ای و کاربردی دانش تفسیری و نظام معارف قرآنی مبتنی بر آن؛ دوم، اصول و روش‌شناسی پژوهش انتقادی وضعیت موجود جامعه هدف؛ سوم، اصول و روش‌شناسی پژوهش الگوی مطلوب و فراتاریخی رشد، در کانون این پژوهش مسئله محور؛

چهارم، اصول و روش‌شناسی مطالعات راهبردی و تحقیق و توسعه‌ای در عرصه قرآن پژوهی در تناسب با دو روش‌شناسی پیشین.

به مدد گام‌های پنج‌گانه یاد شده و به مدد مکتب تفسیری پیشرفت شناخت می‌توانیم از مکتب معین روش‌شناسی تفسیر نیز سخن بگوییم تا یکی از ارکان پارادایمی فرایند اندیشه و دانش قرآنی از فصل‌نگاشت ادراکی تا نگاشت تحقیق و توسعه‌ای جاری باشد.

## ۲. نتیجه‌گیری

آموزه‌های دیانت‌انبیایی-قرآنی، دیانت راهبر به رشد جامع‌نگر در سه عرصه فرد، جامعه و تاریخ (تمدن) است. ایده‌ای که لبّ آموزه سوره حدید در سوره ۵۷ قرآن کریم و در شرح بر سوره حمد است:

۱) کانون ایدئولوژی قرآن‌شناخت پیشرفت، ایده محوری مدیریت حکمت‌بنیاد و عدالت‌گرایی تغییر و قدرت است، که به نوبه خود در بردارنده لایه‌های یک نظریه جامع دین‌شناخت پیشرفت دانش‌بنیان و در حقیقت یک نظریه جامع‌نگر رشد حکمت‌بنیان، شامل مبانی نظری تا الگوی وضعیت مطلوب است که می‌تواند تا سطوح کاربردی مدیریت تغییر جریان یابد. مکتب قرآنی حکمت‌بنیاد رشد - توسعه در سوره حدید می‌آموزد که چگونه در زیرساز پردازش نظریه پیشرفت و یا الگوی معیار پیشرفت باید به پردازش «اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت» همت گماشت؛

۲) بنیان نظری و پارادایمی یک نظریه تغییر - رشد، از مبانی فلسفه دین تا مبانی معرفت‌شناختی تا مبانی هستی‌شناختی تا انسان‌شناختی را شامل می‌شود که سوره حدید در آیات یک تا شش آن را دنبال کرده و در سراسر سوره جریان بخشیده است؛

۳) کانون تحلیلی الگوی مطلوب تغییر - رشد نظام آرمانی، در سه سطح «ارزش‌مبنا»ی عبودیت و خلافت الهی و «دو اصل آرمانی و ارزشی» (سامانه گرایش‌ها با کانونیت ایمان و نیز سلوک‌های انگیزشی کمال برآیند یافته در اصل انفاق) به همراه «ارزش‌های عمومی و خادم‌پیرامونی» شکل گرفته و سرجمع می‌شود، که در آیات هفت تا ۲۴ در اختیار است؛

۴) یک مدل مفهومی عملیاتی الگوی رشد، باید بتواند سازوکار لازم دسترسی به سطوح کاربردی و توسعه‌ای الگوی مزبور را در راستای سامانه نظری و ارزشی تغییر - رشد به دست دهد و از این رهگذر قابلیت اقتداری آن الگو را تضمین کند. به گونه‌ای که از حوزه فلسفه هنجارین یک الگوی بینشی - ارزشی یادشده، به تناسب مقتضیات جامعه هدف، بتوان رهسپار الگوی دولت - ملت توسعه شد. نظام مدیریت راهبردی آینده‌نگار بر مدار دو مبنای اندیشه‌ای و ارزشی پیشین در مقتضیات عینی گوناگونی، شکل می‌گیرد. سوره، نمونه اصول ارزش‌دوارانه گذار به سطوح تحقیق و توسعه‌ای الگوی راهبری تحول را مستند به نظام آرمانی پیشنهاد می‌کند؛

۵) اوصاف درون‌زای «الگوی وحیانی و پیامبرانه رشد حکمت‌بنیان»، در سه اصل برجسته «بینات» یا روشن‌گری، «کتاب» یا قاعده‌ها و احکام، و نیز «میزان»‌ها و ملاک‌ها و در برآیند این سه اصل، «عدالت خودتوانمندانجامه - امت اسلامی» است. لبدین سان الگو و نظام یادشده می‌تواند الگو و نظام معیار مدیریت حکمت‌بنیان و عدالت‌گرایی قدرت تلقی شود. آیه ۲۵ بر این آموزه تأکید می‌ورزد؛

۶) یک الگوی انبیایی رشد، دارای ظرفیت اثربخشی و روایی فردی، اجتماعی و تمدنی است. بستر تمدنی شدن الگوی پیشرفت و تاریخیت یک الگوی حاکمیتی انبیایی، در راستای سنت انبیایی مدیریت رشد - توسعه، نوعی منطق مدیریت راهبردی واقعیت‌نگار قابل انتظار است. این تطور تاریخی می‌تواند وحدت هویت تمدنی جهان مسلمانی را تضمین کند؛

۷) وصف اصولی معنی‌داری انبیایی زندگی، با بهره‌وری اصیل و مضاعفی در متن سبک زندگی روبه‌روست تا جایی که می‌توان در چارچوب چنین الگویی، دارای زیستی سرشار از رویش و بهره‌وری و راهگشای رویکرد آینده‌نگار فردی و اجتماعی بود. بدین گونه خودشدگی و خودبودگی

الهیاتی حکمی انسان رهرو، در فرایند رویش و پیرایش بالغی جریان دارد؛  
۸) به مدد سرفصل‌های تحلیلی یادشده می‌توان منطق حاکم بر نوع نقشه راه دستیابی به مدل مفهومی الگوی پیشرفت در یک پژوهش تفسیری پیشرفت را شناسایی کرد. دستاوردهای این پژوهش تفسیری می‌توانند در سطوح عالی نظریه‌پردازی پیشرفت، نظام جامع برنامه‌ریزی ملی تولید علم، حوزه‌های فکر دینی و به ویژه حوزه دانش تفسیری، مراکز تولید دانش ملی و نهادهای سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی توسعه راهبردی به کار گرفته شوند.

### پیشنهادها

پژوهش در دست داوری مخاطب، دارای نتایج کاربردی چندی است که به توصیه‌هایی نیز خواهد انجامید:

۱) پیشنهاد نظریه مبنا یا الگوی معیار پیشرفت چه در سطح زیست فردی - اجتماعی و اساساً سبک زندگی، چه در عرصه ملی و نظام اجتماعی و دولت - ملت و چه در سطح عرصه بین‌الملل جهان اسلام و در این راستا و به طور خاص پیشنهاد شاکله قرآن شناخت نظریه جامع «مدیریت حکمت‌بنیاد و عدالت‌گرای تغییر و قدرت» در مرز فارق معین با نظریه‌های التقاطی و سکولار جهان معاصر مسلمانی و بشری؛

۲) پیشنهاد روش‌شناسی پیشرفت پژوهی در پژوهش تفسیری در راستای میان‌داری سازی دانش تفسیر برای پشتیبانی ایده تحول نظام دانشی مبنای مدیریت راهبردی پیشرفت؛

۳) ضرورت جهت‌بخشی فرایند پردازش دو نقشه جامع علم (نظام ملی تولید علم معطوف به پیشرفت) و نقشه جامع علمی (نظام ملی مدیریت حکمت‌بنیان و عدالت‌گرای پیشرفت) در راستای پژوهش تفسیری پیشرفت‌شناخت قرآنی در هر دو رویکرد پژوهش ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم و از این رهگذر، پردازش زیربنای پارادایمی سره و کارآمد برای طراحی نقشه راه الگوی تولید علم و الگوی توسعه دانش‌بنیان در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و...؛

۴) ضرورت مبنای‌پردازی مناسب برای جهت‌بخشی نظام اولویت‌ها در سامانه برنامه‌ریزی ملی تولید علم و قوانین برنامه توسعه؛

۵) ضرورت جهت‌بخشی به گفتمان نخبگانی و ارتقاء سطح و گستره نظریه‌پردازی و نوآوری درباره بنیان معرفت‌شناخت الگوپردازی پیشرفت و به طور خاص، اندیشه‌پردازی دین‌شناخت رشد - توسعه ملی.

نمونه آموزه‌های قرآنی در سامانه ترتیبی خود در یک سطح و منطق حاکم بر نظام تنزیلی قرآن کریم و نیز بر تفسیر سنت آل‌البیت (ع) بر دو سامانه ترتیبی و تنزیلی یادشده، در سطحی دیگر، رهنمودهای نظام‌واره‌ای برای ایجاد تحول مورد نظر در الگوی برگزیده پیشرفت در شأن نزول و مصداق‌های معاصر تحول، مانند جهان ایرانی را به دست می‌دهند. این نمونه مطالعه تفسیری، کاربرد نظریه تعلیم قرآنی برای سامان‌بخشی «الگوی معیار رشد» و «نظریه مبنای پیشرفت» را نشان می‌دهد.



## منابع

- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آراسته، ح.ر. (۱۳۸۸). میان رشته‌ای‌ها در آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۲، ۲۵-۴۰.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۲). روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کاپرا، فریتيوف (۱۳۹۲). پیوندهای پنهان (تلفیق گسترده‌های زیست‌شناسی، شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری). ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.
- کلاین، جولی تامسون (۱۳۸۹). فرهنگ در میان رشته‌ای در آموزش عالی. ترجمه هدایت الله اعتمادی زاده و نعمت الله موسی پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- متین، منصور (۱۳۸۸). تفکر میان رشته‌ای. قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. ج ۱، ۱۷۷.
- محمودی محمدآبادی، طیبه (۱۳۹۵). بارفتن ذهن در کشمکش بلور ساختارها. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس مرکز الگو، مقاله منتشر شده در ششمین کنفرانس ملی تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرف.
- نیکول، ر. کوله (۱۳۸۸). آموزش دانشگاهی و مطالعات میان رشته‌ای. ترجمه دکتر محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- Gibbons, M. (1994). *The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Societies*. London: Sage publications.
- Palmer, Carole (1999). Structures and Strategies of interdisciplinary science, *Journal of the American society for information science and technology*.